

## خلاصه ای از واقعه غدیر

(واقعه غدیر خم) ترجمه کتاب شریف الغدیر ج ۱ ص ۲۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهمین سال هجرت، زیارت خانه خدا (کعبه) را با اجتماع مسلمین آهنگ فرمود. و در میان قبایل مختلفه و طوائف اطراف بر حسب امر آنحضرت اعلان شد، و در نتیجه گروه عظیمی بمدینه آمدند تا در انجام این تکلیف الهی (ادای مناسک حج بیت الله) از آنحضرت پیروی و تعلیمات آنحضرت را فرا گیرند.

این تنها حجی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از مهاجرت بمدینه انجام داد، نه پیش از آن و نه بعد از آن دیگر این عمل از طرف آنحضرت وقوع نیافته و این حج را باسامی متعدد در تاریخ ثبت نموده‌اند، از قبیل: حجة الوداع - حجة الاسلام - حجة البلاغ - حجة الکمال - حجة التمام «۱».

در این موقع رسول خدا صلی الله علیه و آله غسل و تدهین فرمود و فقط با دو جامه ساده (احرام) که یکی را بکمر بست و آندیگر را بدوش افکند روز شنبه بیست چهارم یا بیست پنجم ذیقعدة الحرام بقصد حج پیاده از مدینه خارج شد و تمامی زنان و اهل حرم خود را نیز در هودجها قرار داد، و با همه اهل البیت خود و باتفاق تمام مهاجرین و انصار و قبایل عرب و گروه عظیمی از خلق حرکت فرمود «۲».

اتفاقا در این هنگام بیماری آبله - یا حصبه - در میان مردم شیوع یافته بود و همین عارضه موجب گردید که بسیاری از مردم از عزیمت و شرکت در این سفر بازماندند مع الوصف گروه بیشماري با آنحضرت حرکت نمودند که تعداد آنها به یکصد و چهارده هزار و یکصد و بیست و بیست و چهار هزار و بیشتر ثبت شده است.

البته از اهالی مکه و آنها که باتفاق امیر المؤمنین علی علیه السلام و ابو موسی از یمن آمدند بر این تعداد اضافه میشوند «۱» - بامداد یکشنبه موکب نبوی صلی الله علیه و آله در «یللم» بود و شبانگاه به «شرف السیاله» رسیدند و در آنجا نماز مغرب و عشاء را خواندند و صبح آنشب را در (عرق الظیبه) ادای فریضه فرمودند سپس در (روحاء) فرود آمدند و پس از کوچ از آنجا نماز عصر

را در (منصرف) ادا فرمودند و نماز مغرب و عشا را در (متعشی) خواندند و در همانجا صرف غذا کردند و نماز صبح روز بعد را در (اثابه) خواندند و بامداد سه شنبه را در (عرج) درک کردند و در نقطه‌ای که بنام (لحي جمل) معروف است که در شیب و فرازهای (جحفه) است آنحضرت حجامت کرد سپس در (سقیاء) فرود آمدند (روز چهار شنبه) و پس از حرکت از آنجا نماز صبح را در (ابواء) خواندند و از آنجا حرکت کردند و روز جمعه به (جحفه) رسیدند و از آنجا به (قدید) رفته و شنبه را در آنجا درک فرمودند و روز یکشنبه در (عسفان) و پس از طی راه از آنجا و رسیدن به (غمیم). پیادگان در مقابل پیغمبر صف بستند.

و به رسول خدا صلی الله علیه و آله از خستگی شکوه نمودند. پیغمبر صلی الله علیه و آله بآنها دستور قدم دو دادند و با اجراء این دستور احساس راحتی نمودند. روز دوشنبه در (مر الظهران) بسر بردند و هنگام غروب آفتاب به (سرف) و پیش از ادای نماز مغرب بحوالی مکه رسیدند و در ثنیتین (دو کوه مشرف بمکه) فرود آمدند و شب را در آنجا بسر برده و روز سه شنبه داخل مکه شدند «۲».

پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مناسک حج را انجام دادند و با جمعیتی که به‌مراه آنحضرت بودند آهنگ بازگشت بمدینه فرمودند چون بغدیر خم (که در نزدیک جحفه است) رسیدند- جبرئیل امین فرود آمد و از خدای تعالی این آیه را آورد:

**يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ...**

باید دانست که جحفه منزلگاهی است که راه‌های متعدد (راه اهل مدینه و مصر و عراق) از آنجا منشعب و جدا میشود .. و ورود پیغمبر صلی الله علیه و آله و همراهان به آن نقطه در روز پنجشنبه هجدهم ذیحجه تحقق یافت «۲»

امین وحی الهی آیه فوق الذکر را آورد و از طرف خداوند آنحضرت را امر کرد که علی علیه السلام را بولایت و امامت معرفی و منصوب فرماید و آنچه درباره پیروی از او و اطاعت او امر او از جانب خدا بر خلق واجب آمده بهمگان ابلاغ فرماید. در این هنگام آنها که از آنمکان گذشته بودند بامر

پیغمبر بازگشتند و آنها هم که در دنبال قافله بودند رسیدند و در همانجا متوقف شدند. در این سرزمین درختان کهن و انبوه و سایه گستر وجود داشت که پیغمبر صلی الله علیه و آله قدغن فرمود کسی زیر درختان پنجگانه که بهم پیوسته بودند فرود نیاید و خار و خاشاک آنجا را برطرف سازند. وقت ظهر حرارت هوا شدت یافت بطوریکه مردم قسمتی از ردای خود را بر سر و قسمتی را زیر پا افکندند و برای آسایش پیغمبر صلی الله علیه و آله چادری تهیه و روی درخت افکندند تا سایه کاملی برای پیغمبر صلی الله علیه و آله فراهم گشت. اذان ظهر گفته شد و آنحضرت در زیر آندرختان نماز ظهر را با همه همراهان ادا فرمود. پس از فراغ از نماز در میان گروه حاضرین «۳» بر محل مرتفعی که از جهاز شتران ترتیب داده بودند قرار گرفت «۴» و آغاز خطبه فرمود و با صدای بلند همگان را متوجه ساخت و چنین فرمود:

حمد و ستایش مخصوص ذات خدا است. یاری از او میخواهیم و باو ایمان داریم و توکل ما باو است و از بدیهای خود و اعمال ناروا باو پناه میبریم. گمراهان را جز او راهنمایی نیست و آنکس را که او راهنمایی فرموده گمراه کننده نخواهد بود.

و گواهی میدهم که معبودی (در خور پرستش) جز او نیست. و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است. پس از ستایش خداوند و گواهی به یگانگی او. ای گروه مردم.

همانا خداوند مهربان و دانا مرا آگهی داده که دوران عمرم سپری گشته و قریباً دعوت خداوند را اجابت و بسرای باقی خواهم شتافت. من. و شماها هر کدام بر حسب آنچه بعهدہ داریم مسئولیم. اینک اندیشه و گفتار شما چیست؟

مردم گفتند: ما گواهی میدهم که تو ابلاغ فرمودی و از پند ما و کوشش در راه وظیفه دریغ نفرمودی. خدای بتو پاداش نیکو عطا فرماید: فرمود: آیا نه اینست که شماها بیگانگی خداوند و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است گواهی میدهید؟

و باینکه بهشت و دوزخ و مرگ و قیامت تردید ناپذیر است و اینکه مردگان را خدا بر می‌انگیزد و اینها همه راست و مورد اعتقاد شما است؟

همگان گفتند آری، باین حقایق گواهی میدهیم. پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: خداوندا گواه باش، و با تأکید و مبالغه در توجه و شنوایی همگی و اقرار مجدد آنان باینکه سخنان آنحضرت را شنیده و توجه دارند فرمود: همانا من در انتقال بسرای دیگر و رسیدن بکنار حوض بر شما سبقت خواهم گرفت. و شما در کنار حوض بر من وارد میشوید. پهنای حوض من بمانند مسافت بین صنعاء و بصري است «۱» و در آن بشماره ستارگان - قدحها و جامهای سیمین هست. بیندیشید و مواظب باشید که پس از در گذشتن من با دو چیز گرانبها و ارجمند که در میان شما میگذارم چگونه رفتار نمائید؟! «۲» در این موقع یکی در میان مردم بانک بر آورد که یا رسول الله آن دو چیز گرانبها و ارجمند چیست؟ فرمود آنکه بزرگتر است کتاب خدا است که یکطرف آن در دست خدا و طرف دیگر آن در دست شما است (کنایه از اینکه کتاب خدا وسیله ارتباط با خداوند است) بنابر این آنرا محکم بگیرید و از دست ندهید تا گمراه نشوید. و آن دیگر که کوچکتر است عترت من (اهل بیت من) میباشد و همانا خدای مهربان و دانا مرا آگاه فرمود که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند. و من این امر را (عدم جدائی کتاب و عترت را) از پروردگار خود درخواست نموده‌ام. بنابر این. بر آندو پیشی نگیرید و از پیروی آن دو باز نایستید و کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد. سپس دست علی علیه السلام را گرفت و او را بلند نمود تا بحدی که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و مردم او را دیدند و شناختند.

و فرمود: ای مردم کیست که بر اهل ایمان از خود آنها (سزاوارتر) میباشد؟ گفتند: خدای و رسولش داناترند. فرمود همانا خدا مولای من است و من مولای مؤمنین هستم و اولی و سزاوارترم بر آنها از خودشان. پس هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او خواهد بود و این سخن را سه بار و بنا بگفته احمد بن حنبل پیشوای حنبلیها چهار بار تکرار فرمود. سپس دست بدعا گشود و گفت: بار خدایا. دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و یاری فرما یاران او را و خوار گردان خوار کنندگان او را، و او را معیار و میزان و محور حق و راستی قرار ده. آنگاه فرمود. باید آنان که حاضرند این امر را

بغائبین برسانند و ابلاغ نمایند. هنوز جمعیت پراکنده نشده بود که امین وحی الهی رسید و این آیه را آورد: **الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا** «۳» در این موقع پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود الله اکبر، بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا برسالت من و ولایت علی علیه السلام بعد از من، سپس آن گروه شروع کردند به تهنیت امیر المؤمنین علیه السلام و از جمله آنان (پیش از دیگران) شیخین - (ابو بکر و عمر) بودند که گفتند: به به برای تو ای پسر ابی طالب که صبح و شام را درک نمودی در حالیکه مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی. و ابن عباس گفت: بخدا سوگند که این امر (ولایت علی علیه السلام) بر همه واجب گشت. سپس حسان ابن ثابت گفت: یا رسول الله اجازه فرما تا درباره علی علیه السلام اشعاری بسرایم. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بگو با میمنت و برکت الهی. در این هنگام حسان برخاست و چنین گفت: ای گروه بزرگان قریش. در محضر پیغمبر اسلام درباره ولایت که مسلم گشت، گفتار و اشعار خود را بیان میکنم و گفت:

### **ینادیهم، یوم الغدیر نبیهم بخم فاسمع بالرسول منادیا**

این بود اجمالی از واقعه غدیر خم، و تفصیل این اجمال قریبا بنظر شما میرسد و امت اسلامی همگی بر وقوع این امر اتفاق نموده‌اند و در تمام جهان و قرارگاه این زمین واقعه و داستانی باین نام و نشان و خصوصیات رخ نداده جز آنچه که ذکر شد و هر وقت نامی از این روز برده شود جز باین واقعه بچیز دیگر منصرف نشود! و چنانچه نامی از این محل (غدیر خم) برده شود منظور همین محل است که در نزدیکی جحفه است و هیچ سخندان و اهل تحقیقی. بنظر نرسیده که جز این اظهار نظر نماید. بلی. از میان نویسندگان و مورخین فقط یکتن: بنام دکتر ملحم - ابراهیم اسود - یافت شده که در حاشیه‌ای که بر دیوان ابی تمام نگاشته، از این اصل مسلم منحرف گشته و پس از ذکر جمله (غدیر خم) نوشته است: این واقعه جنگ معروفی است.

